

■ مرحوم استاد علامه حکیمی یکی از شخصیت‌های مولد و موثر، چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن بود. علامه حکیمی جزو شخصیت‌هایی بود که بخوبی شرایط فکری نهضت امام^(ع) را درک کرده بود و بار تغذیه فکری انقلاب را به دوش کشید

یادنامه «وطن امروز» در پی رحلت حکیم عدالت علامه محمدرضا حکیمی

صدای سخن عدل

خبر، شوکه‌کننده بود؛ علامه حکیمی به ملکوت اعلیٰ پر کشید. پیر طریقت عدالت که قلم آتشینش، شعله مقدس عدالتخواهی و مرزبانی از معارف قرآنی و روایی را در قلب انسان برمی‌افروخت. همان پیر عرصه پیکار علمی و پژوهشی که از سال‌های قبل از انقلاب تا آخرین لحظه‌های تیش قلبش، زودن غبار فقر و تبعیض از چهره انسان، تمام هم و غم و نیروی چرخش قلمش بر صفحه سپید کاغذ بود. اگر چه از حکیمی گفتن و از حکیمی نوشتن، در مجال تنگ یک صفحه روزنامه نمی‌گنجد اما امیدواریم همین چند خط، سرنخی باشد برای جست‌وجوی بیشتر خوانندگان محترم در آثار فقیم و ارزشمند علامه حکیمی و پیشگشی به محضر روح قدسی آن عالم ربانی. عاش سعیدا و مات سعیدا.

بررسی جایگاه نقش علامه حکیمی در تاریخ انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با دکتر عباس سلیمی نمین، پژوهشگر تاریخ معاصر

انقلابیون

از آثار استاد

ارتزاق می‌کردند



استاد «محمدرضا حکیمی» مجتهد، الهی‌دان، ادیب و نویسنده معاصر یکشنبه‌شب دار فانی را وداع گفت و به دیدار حق تعالی شتافت. او متولد سال ۱۲۱۴ بود و از دوستان نزدیک دکتر علی شریعتی، آیت‌الله خامنه‌ای، علامه جعفری و شهید مطهری به حساب می‌آمد. او از اندیشه‌ورزان پر تألیف و فعال در حوزه فکر و تبلیغ در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی و پس از آن محسوب می‌شد. وی از ارادتمندان حضرت امام و حامیان نهضت اسلامی بود و پس از رحلت حضرت امام نیز به حمایت از حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای پرداخت. در اندیشه اجتماعی استاد حکیمی برقراری عدالت، فقرستیزی و مبارزه با مستکبران اقتصادی جایگاه ویژه‌ای داشت. برای تشریح اندیشه‌های استاد حکیمی و اثرات آن بر فضای فکری و اجتماعی ایران و نسبت مرحوم استاد با انقلاب اسلامی و رهبران آن با دکتر عباس سلیمی نمین، تاریخ‌پژوه گفت‌وگو کردیم.

■ آقای دکتر سلیمی! نقش و جایگاه علامه حکیمی در تاریخ انقلاب اسلامی و پیشبرد گفتمان نهضت اسلامی چه بود؟

استاد مرحوم علامه حکیمی یکی از شخصیت‌های مولد و موثر، چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از پیروزی انقلاب بود. علامه حکیمی جزو شخصیت‌هایی بود که بخوبی شرایط فکری نهضت امام(ره) را درک کرده بود و بار تغذیه فکری انقلاب را به دوش کشید. استاد علامه حکیمی رابطه نزدیکی با دکتر شریعتی داشت به طوری که دکتر شریعتی ایشان را وصی علمی خود قرار داده و به ایشان اجازه اصلاح خطاهایش در کتاب‌هایش را داده بود. این عمل دکتر شریعتی که به استاد حکیمی اجازه نام‌الختیار داد که آثار او مطابق نظرش اصلاح کند، هم نشان از اعطاف‌پذیری دکتر شریعتی دارد و هم نشان از جایگاه علمی استاد حکیمی در منظر مرحوم دکتر شریعتی. این را هم باید بگویم که واقعا فقیر رویدادی که یک متفکر به متفکر دیگری اجازه اصلاح آثارش را بدهد، خیلی کم اتفاق می‌افتد و جای تامل و تحسین دارد.

همین قربت بین علامه حکیمی و دکتر شریعتی می‌تواند نشانه‌ای باشد برای فهم جایگاه علامه حکیمی در بین اندیشمندانی که فعالتها در عرصه جلوی بردن انقلاب اسلامی کوشا بودند. نکته‌ای را که ما اینجا اینجا به آن پردازم، بی‌مهری‌هایی است که به علامه حکیمی شد.

مروری بر جایگاه مسأله عدالت در هندسه فکری علامه حکیمی

اسلام‌شناسی عدالتخواه

معیشتی متعادل». خداوند متعال در آیه هفتم سوره مبارکه حشر علت تقسیم اموال غنیمتی بین رسول و ذوی‌القربی و یتیمان و مساکین و در راه ماندگان را دست به دست نشدن این اموال در بین اغنیا و ثروتمندان بیان می‌کند. به عبارتی قرآن کریم به جامعه اسلامی هشدار می‌دهد نباید پول و ثروت در دست حلقه‌ای خاص محصور شود و اموال و ثروت‌های جامعه باید به فقرا و نیازمندان نرسد، بلکه ثروت‌های جامعه باید به طور عادلانه بین مردم پویزه‌مستضعفان تقسیم شود. استاد محمدرضا حکیمی در جای جای آثار خود بویژه کتاب الحیات به تشریح این مسأله پرداخته و می‌نویسد: «چرخیدن عادلانه مال (و امکانات معیشتی) در جامعه، از مهم‌ترین عوامل بنیادینی است که قوام و استحکام اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی و سیاسی و دفاعی را پدید می‌آورد و از این راه است که حضور دین در جامعه، آشکار می‌شود، زیرا که «لعدل حیاة الاحکام»، با اقامه عدل است که احکام دین زنده می‌ماند و مورد عمل قرار می‌گیرد».

علامه محمدرضا حکیمی تمام عمر خود را برای نشر عقاید ناب اسلامی صرف کرد و حاصل تمام عمر او اکنون همین آثار موجود از او است. امروز اگر عالمی پرهیزگار و عدالت‌اندیش را از دست دادیم، کتاب‌های متعدد و پرپارو در دست ما است که می‌تواند تجلی‌گر تمام دفعه‌ها و اندیشه‌های او باشد.



سه‌شنبه ۲ شهریور ۱۴۰۰

وطن امروز | شماره ۳۲۸۵

یادبود



امام بود، یعنی مرید بسیار بسیار شیفته امام بود. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت خود گفتند، علامه حکیمی رفیق دیرین ایشان نیز بود. از تباطات صمیمی بین علامه حکیمی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تمام سال‌های بعد از انقلاب استمرار پیدا کرد. حالا عدای که از فضای اندیشه و فکر خیر ندارند، ممکن است استناداتی کنند به برخی جملات و کتاب‌های علامه حکیمی و آنها را طور دیگری تفسیر کنند اما کسانی که به این حوزه آگاهند، می‌دانند ساخت اندیشه، ساخت جدایی است و اقتضائات خاص خود را دارد و کسی ممکن است در این حوزه نظریاتش با نظرات سایر هم‌ترازان خود اختلاف داشته باشد ولیکن اینها هیچ کدام دلیلی برای بی‌توجهی و کم‌توجهی به اینگونه عناصر نمی‌شود.

علامه حکیمی یک ادیب زبردست بود. دانش ایشان در حوزه ادبیات عرب، ادبیات فارسی و حتی ادبیات جهان، کم‌نظیر بود. ایشان همین دانش ادبی را در خدمت دین و انقلاب آورد و آثار فقیم و ارزنده‌ای را به جامعه تقدیم کرد. دایرةالمعارف عظیم الحیات و سایر تالیفات که ایشان با یک تلاش طاقت‌فرسا برای ترسیم سبک زندگی دینی بر محور علوم قرآنی و معارف آل‌الرسول ترسیم کرد، هر کدام چون خورشیدی در آسمان تولیدات فکر دینی می‌درخشید. عدالت، حرف اصلی انقلاب اسلامی بود؛ مسأله‌ای که علامه حکیمی بخش مهمی از عمر خویش را صرف آن کرد. تبیین نظری، ارائه تصویری روشن از مفهوم عدالت در منظومه روایی و حیاتی و گسترش و توسعه این مفهوم به سایر ارتباطات انسانی و اجتماعی، همگی موضوعاتی است که علامه حکیمی بنیان و بیان خود را وقف آنها کرده بود.

یسه هر حال باز هم بر این نکته تأکید می‌کنم که ما به نیروهای مولد، نیاز مبرم داریم و موضوعاتی که در حکمرانی به آن برخورد کردیم، نیازمند تولید فکر و نظریه‌پردازی است و باید در این مسیر از تولیدات متفکرانی مثل علامه حکیمی نهایت بهره را ببریم. امروز نسل جوان ما در موقعیتی است که می‌توان از فرصت آثار علامه حکیمی برای پیوند آنان با ارزش‌های دینی بهره جست.

اعزاز، بزیرگذاشتن بزرگان را محدود به همان چند روز اول فقدان آنان نشود، خودش می‌تواند منشأ خیرات و برکات شود و حتی کم‌کاری‌های گذشته را جبران کند. امیدوارم روند رجوع و بازخوانی آثار علامه حکیمی بتواند موج جدیدی از ادبیات عدالت‌خواهانه را که مبتنی بر آیات قرآنی و روایات خاندان اهل بیت عصمت و طهارت باشد در جامعه ما ایجاد کند.

نگاهی به سبک دین‌پژوهی علامه حکیمی

اندیشه‌ورزی در میدان

عدالت‌خواهانه تامل و تعمق می‌کرد. اما نه فقط در حوزه عدالت، بلکه در سایر حوزه‌ها نیز تا زمانی که توان جسمی استاد یاری می‌کرد، از تباطات وسیعی با اهل فکر و اندیشه آن هم از تپ‌های گوناگون داشت. او برانستی صدقاً کامل عالم زمان‌شناسی بود که آگاه به زمانه خویش و اهل زمانه خویش بود. اگر چه دل و فکر به فلسفه نداده بود اما همنشین و رفیق اهل فلسفه بود به طوری که در منزل عکس علامه طباطبائی را قاب کرده و به دیوار نصب کرده بود. دیگر در کجای این سرزمین می‌توان چنین نمونه‌ای از اخلاق علمی را یافت که تصویر بزرگ‌ترین چهره جریان مخالف و منتقدش را به دیوار خانه‌اش نصب کند؟

به هر ترتیب، «اندیشه‌ورزی در میدان» درس است که باید از علامه حکیمی آموخت. این ویژگی خاص دین‌پژوهی علامه حکیمی بود که دین را برای انسان از همین روز اندیشه‌ورزی‌اش در متن میدان تحولات انسانی رقم می‌خورد. کنج کنایه‌ها و حجره و دور از متن حوادث و تحولاتی که در جامعه در حال رخ دادن است، اندیشه‌ورزی کردن قرآن پژوهیدن، به جایی ختم نمی‌شود و اگر هم بشود دردی از «انسان» دوآدمی‌کننده، همان انسانی که قرآن، امب محمد(ص) را به قیام برای حفظ و رشد کرامت او می‌ستاید؛ کَتَمَّ خَیْرًا مِمَّهْ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ (آل عمران، ۱۱۰).



بررسی زوایا و احکام آن و سپس نهادینه کردن آن در جامعه است. این حق مالی، بویژه در زمانی که زکات مصطلح، به سبب محدود بودن منابع یا کوتاهی در پرداخت، یا سخگویی نیازهای محرومان نباشد، اهمیت بیشتری می‌یابد.

■ کتاب جامع‌سازی قرآنی

این کتاب مجموعه ۶ مقاله علامه محمدرضا حکیمی است. محور مقاله نخست، نماز و عدالت به عنوان ۸ نشانه جامعه قرآنی است. در مقاله دوم ایشان بحثی را با عنوان احکام دین و اهداف دین فصل خلاصه‌ای از آن بسته به موضوع مورد بحث مطرح شده است. یکی از جذاب‌ترین فصول این کتاب مبحث زکات باطنی است که در آن از زکات باطنی یا تعبیر یاد می‌شود: «کاتی فراگیر که برای رفع فقر و محرومیت به اموال توانگران تعلق می‌گیرد و از نظر مقدار، زمان و شرایط با زکات مصطلح متفاوت است». انتخاب چنین نامی ریشه در ماهیت، شرایط و نوع پرداخت این حق مالی دارد؛ چه بر خلاف زکات مصطلح حد نصاب ظاهر و مشخصی ندارد و به میزان شمار محرومان جامعه و توان مالی پرداخت‌کننده وابسته است.

نویسنده در این بخش ضرورت پرداختن به زکات باطنی را از این جهت مهم تلقی می‌کند که زکات باطنی به سبب فراگیری و مشروط نبودن به شرایط زکات مصطلح، نقش مهمی در رفع فقر و محرومیت از جامعه و تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز تکامل روحی پرداخت‌کنندگان دارد. نیک روشن است که تحقق این مهم در گام نخست، منوط به تحلیل فقهی و

نویسنده در این بخش ضرورت پرداختن به زکات باطنی را از این جهت مهم تلقی می‌کند که زکات باطنی به سبب فراگیری و مشروط نبودن به شرایط زکات مصطلح، نقش مهمی در رفع فقر و محرومیت از جامعه و تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز تکامل روحی پرداخت‌کنندگان دارد. نیک روشن است که تحقق این مهم در گام نخست، منوط به تحلیل فقهی و

نویسنده در این بخش ضرورت پرداختن به زکات باطنی را از این جهت مهم تلقی می‌کند که زکات باطنی به سبب فراگیری و مشروط نبودن به شرایط زکات مصطلح، نقش مهمی در رفع فقر و محرومیت از جامعه و تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز تکامل روحی پرداخت‌کنندگان دارد. نیک روشن است که تحقق این مهم در گام نخست، منوط به تحلیل فقهی و

مطرح می‌کند که روی سخن بیشتر متوجه روحانیون و مجتهدین است. ایشان معتقد است غایت اصلی دین در بعد اجتماعی، اقامه عدل است که این مسأله مورد غفلت واقع شده است. در مقاله سوم مسأله عدالت را در ۵۲ مورد بررسی قرار می‌دهد. در مقاله چهارم با ذکر احادیثی از ائمه اطهار علیهم‌السلام درباره عدالت، لزوم حرکت در جهت تحقق عدالت را گوشزد می‌کند. موضوع مقاله پنجم، دعاست. این بخش از کتاب از نظر موضوعی کمی گسسته از مباحث پیشین است. در این مقاله پس از بحث‌هایی درباره آداب، اوقات، ابعاد، احوال و اعماق دعا، نکاتی درباره دعا بیان می‌شود.

در نهایت مقاله ششم، به ارائه طرحی جهت تشکیل اتحاد جماهیر اسلامی می‌پردازد.

متن انقلابی، انگیزه‌بخش و حرکت‌آفرین، توجه زیاد به بعد اجتماعی اسلام و استفاده از ادبیات و اصطلاحات قرآنی و روایی از ویژگی‌های این کتاب است.

